

مفهوم شناسی

معنای یاس

ماده «یأس» مقابل طمع است و در لغت به معنای انقطاع انتظار و توقع انسان از رسیدن چیزی، به خود است.^۱ در زبان عربی از ماده یئس، ییاس؛ به چشم‌پوشی، دست کشیدن، قطع امید کردن و ناامید شدن از چیزی گفته می‌شود.^۲ در فرهنگ دهخدا در تعریف یأس آمده است ناامیدی، خلاف رجا، ناامیدی، بی‌امیدی و قنوط^۳

در اصطلاح اخلاقی، یأس عبارت است از حالتی که در مقام عجز و ناتوانی در نفس انسان پدید می‌آید و به طور کلی قطع امید از کاری را یأس می‌گویند.^۴ ناامیدی از لغزش‌های اخلاقی به شمار می‌رود؛ زیرا به معنای ستم کردن بر خویشتن و خودکشی تدریجی است و ناامیدی مطلق، مرگ است.^۵

روان‌شناسان هم ناامید را این‌گونه معنا می‌کنند: ناامیدی به این معناست که شخصی در کار تلاش کند اما به نتیجه‌ای نرسد، یا به عبارت دیگر زمانی که فرد احساس درماندگی کند و در نهایت دست از کوشش بردارد و به اصطلاح ناامید شود.^۶ ناامیدی از دیدگاه روان‌شناسان به عنوان یک حالت عاطفی اطلاق می‌شود که زیرمجموعه هیجان غم می‌باشد. ناامیدی نه تنها سبب افسردگی و سستی درها می‌شود بلکه انگیزه ما را از بین می‌برد و ما را از تلاش وامی‌دارد. بنابراین یأس به حالتی گفته می‌شود که انسان، از تلاش در راه حصول هدف باز ماند. و اشتیاقی برای ادامه اهدافش نداشته باشد. معنای این واژه از نگاه روان‌شناسان به شیوه‌ای مشابه است. از دیدگاه آنان هرگاه کسی هدف و غایتی را در نظر داشته باشد، ممکن است در راه

^۱ مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ج ۱۴، ص ۲۲۳

^۲ ابن منظور، ۱۹۹۸، ماده یأس

^۳ دهخدا، ۱۳۵۲، ماده ی یئس

^۴ سجادی، سید جعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش، سوم، ج ۳، ص ۲۱۹۲.

^۵ صلیبا جمیل، صناعی دره بیدی منوچهر؛ فرهنگ فلسفی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶ش، اول، ص ۶۸۲.

^۶ موسوی لاری، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴

رسیدن به مقصود با موانعی، خواه اجتماعی، فردی، برونی یا درونی روبه رو شود. در برخی موارد شخص میتواند موانع را بر طرف سازد و به هدف خود نائل گردد؛ اما گاهی برای برخی افراد، مانع آن اندازه مستحکم و پابرجا است که باید از خواسته خویش صرف نظر کنند و در نتیجه به این علت که مرادشان حاصل نشده، رنج ببرند. در این هنگام است که ناکامی و ناامیدی بر فرد عارض می شود.

ج. راحتی نفس انسان: امام صادق (ع) می فرمایند: «راحت ترین راحتی ها (برای انسان)، نومیدی از مردم است»^[۱۷].

دیدگاه اسلام درباره یأس

یأس و ناامیدی از رحمت و مغفرت الهی از گناهان کبیره محسوب می شود؛ زیرا آنچه سبب یأس از رحمت و مغفرت پرودگار عالم می شود، ضعف اعتقاد به قدرت، کرم و رحمت بی پایان اوست که قرآن مجید آن را از صفات کفار بر شمرده است و می فرماید: **يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ**^۱؛ پسرانم بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید. از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خداوند مأیوس می شوند.

در همین راستا در آموزه های دینی ذکر شده است که هر شخصی مرتکب گناهی می شود تا وقتی مأیوس نباشد و در صدد توبه بر آید، آمرزیده می شود، ولی شخص مأیوس آمرزیده نخواهد شد؛ زیرا امید به آمرزش و مغفرت الهی ندارد تا توبه نماید. قرار گرفتن این خصیصه در زمره رذائل اخلاقی و مذمت و نهی از آن در متون دینی، با توجه به نکات زیر معقول و موجه خواهد بود؛ بدین صورت که:

۱. یأس و عدم ترقی

اصولاً انسانی که در رسیدن به اهداف دنیوی مأیوس است، از کار و تلاش باز می ماند و زندگی او دچار رکود و افسردگی می شود که نتیجه این رکود و افسردگی، رنج هایی است که خود فرد مأیوس تحمل می کند و سختی هایی می باشد که به دیگران تحمیل می نماید و از همه مهمتر آنکه شخص مأیوس در هیچ طریقی ترقی نمی کند، زیرا خود را باخته می داند و بدین ترتیب هر

^۱ . یوسف: ۸۷.

لذتی را از روی ناامیدی و یأس از عاقبت کار خود نوعی عذاب تصور کرده و از آن لذت نمی‌برد؛ از همین‌رو حضرت یعقوب "علیه السلام" خطاب به فرزندان خود می‌فرماید: **لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ**؛ از رحمت خدا مأیوس نشوید.^۱

۲. یأس و بی‌تابی

بهترین روش جهت رشد و تعالی یک فرد، مواجه و رورپارویی آن فرد با مصائب و گرفتاری‌های گوناگون است. در حالی که شخص مأیوس در برخورد با مشکلات و گرفتاری‌ها از خود واکنش معکوس نشان می‌دهد و ای بسا نسبت به همه چیز، حتی تقدیر الهی بدبین گشته و چون به عاقبت کار خود اطمینان نداشته و به نوعی از آن ناامید است، گرفتار جزع و بی‌تابی می‌گردد. امام حسن عسکری "علیه السلام" در این‌باره می‌فرماید: **«و اعلم ان المدبر لك اعلم بالوقت الذي يصلح حالك فيه، فشق بخيرته في جميع امورك»**^۲ و بدان، کسی که امور تو را تدبیر می‌کند، نسبت به وقتی که به صلاح حال توست، آگاه‌تر است، بنابراین به انتخاب او در همه کارهایت اعتماد کن، تا حال تو اصلاح شود»

۳. یأس متضاد با رحمت الهی

یأس و ناامیدی برخلاف مشی و صفات رحمانی خداوند است؛ از جمله کلماتی که در قرآن مجید زیاد از آنها نام برده شده کلمات رحیم، رحمن، غافر، غفار، غفور، عطوف و مانند اینها است. در هر نماز واجب و مستحب باید سورة فاتحه را بخوانیم که متضمن بر بعضی از این صفات است و این بدین جهت می‌باشد که در هر لحظه ما را به واسطه توجه دادن به فضل بی‌نهایت خود، از اقسام و انواع اموری که موجب یأس می‌گردد، جلوگیری کند؛ زیرا مسأله یأس و ناامیدی گنه‌کار از رحمت حق و تلقین این معنای خلاف به قلب که وضع من به صورتی است که خداوند هرگز مرا قبول نمی‌کند، برگشتش به این معناست که حضرت حق قدرت بر بخشیدن و عفو مرا ندارد و این گناهی بس نابخشودنی به حساب می‌آید.

یأس در آیات و روایات

در آیات قرآنی و روایات اسلامی درباره یأس می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

خداوند در قرآن می‌فرماید: **«و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود.»**^۳ از این آیه فهمیده می‌شود که اگر نعمتی از انسان گرفته شود دچار یأس شده به شدت نومید می‌گردد تا این حد که گویی بازگشت مجدد

^۱ . یوسف، ۸۷.

^۲ . بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۳۷۹

^۳ . هود، ۹

آن نعمت را غیر ممکن می داند. پس طبع انسان به گونه ای است که هنگامی چیزی از او گرفته شود، مأیوس می گردد و کفران می ورزد.^۱

«تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند»^۲ کافر به خدا، یا منکر وجود حق است یا منکر قدرت او یا منکر عنایات و تفضلات او است. بر هر کس که ایمان به خدا دارد لازم است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد و به هر چه اراده کند حکم می نماید و هیچ مؤمنی نمی تواند از روح خدا مأیوس و از رحمتش نومید شود؛ زیرا یأس از روح (رحمت) خدا در حقیقت محدود کردن قدرت او، در معنا کفر به احاطه و سعه ی رحمت اوست.^۳

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «بالاترین بلا یأس و نومیدی است.»^۴

با توجه به مضمون آیات و روایات این نکته به دست می آید که نومیدی از رحمت بیکران الهی، از بزرگترین گناهان است.

اقسام یأس

۱. یأس و ناامیدی مذموم

ناامیدی و یأس بزرگترین مسلخی است که ابلیس برای ذبح کردن أهم حیثیت‌ها و فضیلت‌های انسانی، فرا روی آدمی تعبیه کرده است تا بلکه از این راه بتواند مانع پیشرفت و سعادت انسانی بشود که از این نوع ناامیدی در متون دینی تحت عنوان «یأس مذموم» نام برده می‌شود و خود دارای مصادیق گوناگونی است از جمله:

الف) یأس از رحمت الهی: بارزترین مصداق یأس مذموم، یأس از عفو و رحمت الهی است که فرد گمان می‌برد که خداوند متعال او را نمی‌آمرزد و جهنمی شدنش قطعی است؛ این در حالی است که قرآن کریم در سوره مبارکه زمر با نهی از این پندار نافرجام می‌فرماید: **قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ**

^۱ . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۲۳۳

^۲ . یوسف، ۸۷

^۳ . ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۳۲۰.

^۴ . تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ ش، اول، ص ۸۳.

الرَّحِيمُ^۱ بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.

دقت در تعبیرات این آیه نشان می‌دهد که از امید بخش‌ترین آیات قرآن مجید نسبت به همه گنهکاران است. شمول و گستردگی آن به حدی است که طبق روایتی از امیرمؤمنان علی "علیه السلام" نقل شده است که فرمود: «ما فی القرآن آیه اوسع من یا عبادى الذین اسرفوا؛^۲ آدر تمام قرآن آیه‌ای وسیعتر از این آیه نیست.»

ب) یأس از رسیدن به کمالات و مقامات عالیة انسانی: مأیوس شدن از رحمت خداوند تنها منحصر به یأس از بخشش گناهان نمی‌شود بلکه ناامیدی از إفاضة توفیق و هدایتگری را هم شامل می‌شود. قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گام‌های شیطان پیروی نکنید. هر کس پیرو شیطان شود [گمراهش می‌سازد، زیرا] او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند، و خدا شنوا و داناست.

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه می‌نویسد:

اینکه خداوند فرموده اگر فضل و رحمت خدا به شما نبود ابداً کسی از شما تزکیه و پاک نمی‌شد و این معنایی است که عقل هم بر آن دلالت دارد، چون افاضه کننده خیر و سعادت تنها خدای سبحان است و تعلیم قرآنی نیز آن را افاده می‌کند؛ همچنان که در جای دیگر فرموده است رهایی از بند یأس و ناامیدی به معنای گرفتار شدن در امیدواری توهمی نیست. یأس مذموم است چون ترمز حرکت در صراط مستقیم است؛ رجاء و امیدواری توهمی هم که تلاش و حرکتی در آن نیست نکوهیده است چون توقف بوده و انحراف از صراط مستقیم محسوب می‌شود^۴

۲. یأس و ناامیدی ممدوح

^۱. زمر، ۵۳.

^۲. تفسیر نور الثقلین: ج ۴، ص ۴۹۱

^۳. نور: ۲۱

^۴. ترجمه تفسیر المیزان: ج ۱۵، ص ۱۲۶

توبه روح امید را در دل گنهکاران زنده می‌کند و هرگز دچار نومیدی و رکود نمی‌گردند.^۱ توبه و بازگشت به سوی رحمت خدا، هر گناهی را شامل می‌شود؛ یعنی اگر انسان مرتکب هر گناهی بشود، نباید امیدش را از دست بدهد، بنابراین برای انسان گنهکار، توبه این مطلب سزاوار نیست که بگوید: «گناه من دیگر قابل بخشش نیست».

۴- یادآوری زندگی انبیاء و اولیای الهی

اندیشیدن در حالات کسانی که با توکل بر خدا در برابر سختی‌ها ایستادگی کرده و مایوس نگشته‌اند، برای رهایی از یأس در هنگام بروز مشکلات، بسیار موثر است. برای نمونه می‌توان به داستان حضرت ایوب اشاره کرد که زندگی ایشان سراسر صبر و امید به خداوند است.^۲

اثر یأس

۱. ترک بندگی

مهمترین اثر و پیامد یأس و نومیدی از رحمت الهی، بازماندن از عمل و دست کشیدن از جدیت و بریده شدن رشته بندگی و گسیخته شدن افسار انسان مایوس است.^۳

۲. جرأت یافتن بر ارتکاب گناه

انسان مایوس بر ارتکاب هر گناهی جرأت می‌یابد؛ زیرا در خیال خود چنین می‌پندارد و می‌گوید: من که معذب خواهم بود، پس چرا خودم را از لذات و شهوات دنیا محروم سازم.^۴

^۱ . ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۳۹۳

^۲ . مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۰.

^۳ . سایت پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام

^۴ . شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳۹.

^۵ . حسینی بهارنچی، سید محمد؛ محرمات اسلام، عطر عترت، ۱۳۸۵ش، اول، ص ۲۱۷.

عوامل زمینه ساز یأس و ناامیدی

پیدایش این عارضه روانی در زندگی انسان عوامل متفاوتی دارد که با توجه به شرایط زندگی در افراد مختلف به گونه ای متفاوت بروز می کند. اما به طور کلی می توان از علل اولیه پیدایش آن را، در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. نداشتن هدف فراموشی چشم انداز

از عمده علت هایی که افراد را به بی تفاوتی، بی هویتی ناامیدی و یأس سوق می دهد، نداشتن هدف و چشم انداز مشخص می باشد از آنجا که اهداف و تمایلات مبنای اعمال و رفتار انسان می باشد لذا زمانی که به خواسته اصلی خود که رسیدن به واقعیات و حقایق است نائل نمی شود به نوعی نابسامانی درونی مبتلا می شود در قرآن از این بیماری روان سخن به میان آمده و می فرماید: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ؛ آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه هایشان را آشکار نمی کند؟!»^۱ از طرفی گاهی ممکن است انسان هدف و غایتی را در نظر داشته باشد ولی در حال رسیدن به مقصود خویش با موانعی خواه اجتماعی، فردی، درونی و بیرونی روبه رو شود. لذا هر شخصی درجه اول باید اهداف خود را مشخص کند، این اهداف باید روشن و واضح و دست یافتنی باشند نه اهدافی که در حد آرزوهای دور و دست نیافتنی باشد آرزو در فارسی با واژگانی چون «کاش» و «ای کاش» و در قرآن با واژه چون «لیت»، «لو و تمنا» به کاررفته است اما لیت چهارده بار در قرآن آمده است و به کاررفته از اصلی ترین و رایج ترین کاربرد را دارد. «قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ؛ می گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود؛ چه بد همنشینی بودی!»^۲

در روایات نیز داشتن امل و آرزوهای دور و دست نیافتنی مذموم شمرده شده است. البته صرف داشتن هدف و آرزو لازم است زیرا آنچه که به زندگی پویایی و تحرک می بخشد نگاه به آینده است که از آن به هدف و آرزو یاد می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: آرزو رحمت خدا برای امت من است اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و هیچ کشاورز درخت نمی کاشت با این حال باید توجه داشت که در اسلام هرچیزی حد و حدودی

^۱ محمد؛ ۲۹

^۲ زخرف، ۳۸

دارد. گاه انسان در مسائل روزمره دچار افراط و تفریط می‌شود که امید نیز از همین مقوله است. جنبه افراطی آن آرزوهای دور و دراز است و جنبه تفریط آن ناامیدی است و اسلام از آن نهی کرده است.

۲. تحلیل ناروای رفتار دیگران

در معارف دینی از این بخش ناپسند با واژه حسد یاد شده، حسد به معنای دور شدن نعمتی از کسی و رسیدن آن به فرد دیگر است. فرد متصف به این صفت برای آرام کردن درون خود ممکن است به هر عملی دست بزند که حاصل این اعمال از بین رفتن ایمانش است. با از بین رفتن ایمان نه تنها راه تکامل انسان مسدود می‌شود بلکه ممکن است در نهایت فرد حسود از رسیدن به آنچه که هدفش هست باز بماند در نتیجه دچار یأس و ناامید شده و در نهایت دست به خودکشی زده و به زندگیش خاتمه بخشد به این دلیل این خصلت نزد عقل و شرع مذموم و ناپسند است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگان بخاهد، آیات خود را نازل می‌کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است. برخی از مفسرین در خصوص این آیه می‌نویسند: این آیه اشاره به حسادت علمای یهود دارد که این حسادت مانع ایمان آوردن ایشان به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله شد. اینان بر اساس مژده‌های تورات و انجیل به امید درک پیامبر آخر الزمان به جزیره العرب آمده بودند ولی چون پیامبر صلوات الله علیه و آله از قوم بنی اسرائیل نبود آنان هم موقعیت دینی خود را در میان توده مردم ناآگاه در خطر دیدند و بر مقام نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن رشک بردند و ایمان نیاوردند تا آنجا ستم کردند که بشارت‌های کتاب‌های آسمانی خود را هم از مردم قومشان کتمان نمودند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: از خدا تقوا داشته باشید و به یکدیگر حسد نورزید. بنابراین این حسد علاوه بر اینکه آثار سو در تکامل معنوی انسان دارد آثار بسیار نا مطلوبی بر روی جسم و سلامت انسان دارد این افراد معمولاً افراد رنجور بوده و از نظر اعصاب روان افراد ضعیف و در نتیجه کم تحمل بوده که به سرعت گرفتار یأس و ناامیدی می‌شوند.

۱.۳ احساس کمبود و ناداری

فقر عبارت است از برآورده نشدن نیازهای اساسی انسان در حد کفایت. اگر نیازهای مادی در یک اجتماع نامتوازن باشد و اختلاف طبقاتی به‌طور نامناسب ایجاد شود، بدین معناست که برخی اقشار از همه امکانات استفاده می‌کند اما گروهی دیگر و ضروریات اولیه زندگیشان تامین نشود در این صورت هم طبقه اول که همه امکانات را دارند تباه و فاسد می‌گردند؛ به این شکل که غرور، خودخواهی و اجحاف آنان را به‌طور ناحق به ورطه نابودی می‌افکند و هم دسته دوم که محرومان اجتماع هستند می‌بینند که رنج و مشقت را خود متحمل می‌شوند اما سودش عاید دسته‌اول می‌شود. همین امر سبب رواج نابسامانی‌های روحی و روانی در بین مردم می‌شود و در نتیجه سعادت و امنیت از آن جامعه رخت برمی‌بندد. فقر به‌معنای ناداری و حاجتمندی از جمله موضوعاتی است که در اسلام مورد ذم و نکوهش قرار گرفته در یک نگاه کلی همه ممکنات محتاج و نیازمندند و تنها خدای متعال به کمال بی‌نیازی آراسته است. در هیچ آیه ای از قرآن کریم فقر به‌عنوان امر مثبت معرفی نشده و اگر در بعضی آیات، فقرا و مستمندان مورد تمجید واقع شده اند به‌علت ارزش‌های انسانی بوده که داشته اند نه فقر آن‌ها.

«لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته؛ و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند؛) نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند؛) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی؛ و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.^۱

فقر مفرط سبب می‌شود فرد پیوسته گرفتار دغدغه‌های گذران زندگی باشد و اسارت در تنگ‌دستی مانعی برای زندگی طبیعی خواهد بود این فرد به دلیل عدم توانایی فکری مناسب و مشاهده نابرابری‌های اجتماعی، رفاه ثروتمندان و مشکلات مادی خویش دچار یأس و ناامیدی شده و چه‌بسا این یأس و ناامیدی ایمانش را متزلزل ساخته و او را به سوی کفر پیش می‌برد.

^۱ بقره، ۲۷۳

۴. عدم درک صحیح از استعداد های فردی و نیاز های اساسی

انسان همچون نیاز های مادی، نیاز های محبت، جایگاه اجتماعی، امنیت و عدم تامین آن به گونه ای عدم تعادل فکری و رفتاری را در انسان بدنبال خواهد داشت که در نتیجه این عدم تعادل فرد هنگام رویارویی با کوچک ترین مشکل دچار یأس و ناامیدی خواهد شد.

۵. احساس ناکامی و عدم موفقیت

احساس ناکامی عامل اساسی در ناخرسندی و نارضایتی فرد در زندگی است وقتی انسان احساس کند که آنچه خواسته به دست نیاورده _ ناکامی در دستیابی _ و یا آنچه را که داشته از دست داده _ فقدان _ یا به آن چه می نمی خواسته دچار شده _ حادثه _ ناتوان گشته و ناامید می شود مجموعه این ویژگی ها نشانگر نا رضایتی فرد از زندگی است که فرد را به سوی ناکامی و ناامیدی سوق می دهد.

امام خمینی رحمه الله علیه نیز می فرمایند: هیچ گاه از کارها مأیوس نشوید چون همه چیز یک دفعه درست نمی شود و کارهای بزرگ باید به تدریج صورت گیرد یأس از جنود شیطان است و امید از جنود خداست همیشه امیدوار باشید برای رهایی از ناامید و افسرده بودن باید به خدا توکل کرد.^۱

^۱ . سارا، ساکی، مروتی، سهراب، ناامیدی و پیامدهای آن در قرآن و حدیث،